

## تأثیرپذیری احمد مطر از قرآن کریم

نرجس الهاشمی<sup>۱</sup>

### چکیده

قرآن کریم، قرن‌ها منبع الهام بسیاری از شاعران و نویسندگان بوده است. سید احمد مطر، از شاعران مسلمان و تأثیرپذیر از قرآن است. افکار بلند این شاعر، درباره مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و استبداد بوده که در اشعار و داستان‌پردازی‌هایش از عبارات و الفاظ قرآنی استفاده کرده است. محقق تلاش کرده که به روش اسنادی، تحلیلی و توصیفی، تأثیرپذیری اشعار احمد مطر از قرآن کریم را بررسی کند.

**واژگان کلیدی:** قرآن، احمد مطر، تأثیر، تأثیرپذیری از قرآن، اقتباس.

### ۱. مقدمه

قرآن کریم، سرچشمه‌ای پاک، مقدس و الهام‌بخش بوده که تأثیر فراوانی بر ادبیات مسلمانان داشته است. از زمان نزول وحی بر پیامبر ﷺ تا کنون، بسیاری از شاعران، تحت تأثیر قرآن شعر سروده‌اند. سید احمد مطر از شاعران برجسته معاصر، الفاظ و مفاهیم قرآن را در بسیاری از اشعارش آورده است. این مقاله، میزان تأثیر قرآن بر اشعار احمد مطر را بررسی می‌کند. اهمیت تأثیرپذیری سید احمد مطر از آیات قرآن به صورت ملموس احساس می‌شود.

آثار بسیاری در قالب کتاب و مقاله، مسئله مقاومت و آزادی خواهی را در شعر مطر بررسی کرده‌اند مانند مفهوم آزادی در شعر احمد مطر، نوشته حسن مجیدی و محمد حیدری. مظاهر ادب المقاومة فی شعر احمد مطر، نوشته جواد سعدون زاده. تحلیل اجتماعی-شناختی اشعار احمد مطر و سیاق و سبب کسرابی از سمیه صادقی و علی صفایی. در مورد رابطه شعر احمد مطر با آیات قرآن نیز مقالاتی نوشته شده مانند التناس فی شعر احمد مطر. التناس القرآنی فی قصیده بلاد بین النهرین للشاعر احمد مطر. تا جایی که نگارنده جست‌وجو کرد، نوشته مستقلی در مورد تأثیرپذیری احمد مطر از قرآن نیافت.

۱. فارغ التحصیل کارشناسی معارف اسلامی و زبان و ادبیات عربی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، عراق.

## ۲. مفهوم شناسی

### ۲-۱. تأثیر

تأثیر، از ماده اثر، به معنای باقی مانده‌ای از هر چیز است. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۲۳۷/۸) خرجت فی اثره، یعنی بعد از او خارج شدی. جمع اثر، آثار و اثور است. تأثیر، یعنی جا گذاشتن اثری در شیء (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۵/۴). تفاوت اثر و علامت در این است که اثر هر شیء، بعد از آن به جا می ماند، ولی علامت، قبل از حصول شیء است (عسکری، ۱۴۰۰، ص ۶۲).

### ۲-۲. اقتباس

اقتباس، از ماده قبس است. جمع آن اقتباس و در اصل به معنای شعله‌ای از آتش است. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۸۹/۵) تقبسه‌ها و تقتبسه‌ها، یعنی قسمت بیشتری از آتش را در بر می داری (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۸۹/۵). اقتباس، یعنی شعله‌ای از آتش که با طرفی از چوب برداشته می شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۶۷/۶). القبس و الاقتباس، یعنی طلب شعله آتش که به صورت استعاره، برای طلب علم و هدایت نیز به کار می رود. اقتبسه ناراً او علماً، یعنی به او آتش یا علم دادم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۵۲). اقتبست منه علماً، یعنی از او علمی گرفتم (ابن درید، ۱۹۸۸، ۳۳۹/۱). اقتبس الشاعر و الکاتب، یعنی شاعر یا نویسنده، در سخن یا نوشته خود، آیه، حدیث یا قاعده‌ای از علم بیاورد (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۹).

### ۳. احمد مطر

احمد مطر، در روستای التنومه در نزدیکی بصره در کشور عراق به دنیا آمد. دوران کودکی را در آنجا گذراند و میان نخلستان‌ها، نیزارها، خانه‌های گلی و جویبارهای روستای خود، هنر و قریحه سرودن شعر را کسب کرد. در سن ۱۴ سالگی، سرودن شعر عاشقانه و غزل را آغاز کرد، اما طولی نکشید که از غزل دست برداشت و خود را در پرتگاه اندوه و حزن عربی انداخت و وارد آتش سیاست و درگیری میان حکومت و ملت شد. (عایش، ۲۰۰۵، ص ۱۳)

او به دلیل اوضاع کشورش، دچار افت تحصیلی شد. (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۴۸) از آن زمان این خلأ درسی را با مطالعه پر کرده و شب‌ها تا صبح مطالعه می کرد. احمد مطر، کتاب‌های متنوع ادبی و غیر ادبی را می خواند. به دلیل استفاده زیاد قرآن در اشعارش، گمان می شود که وی حافظ قرآن است. او روزانه قرآن می خواند و با آیات قرآن انس داشت، اما حافظ قرآن نبود. در اوایل جوانی، به دلیل دفاع از محرومان و مظلومان در اشعارش، محکوم به تبعید از وطن شد (عایش، ۲۰۰۵،

ص ۱۳). وی ابتدا به کویت هجرت کرد. در آنجا در روزنامه القبس مشغول به کار شد و شعرهایش در صفحه اول این روزنامه قرار گرفت.

احمد مطر در روزنامه القبس، با کاریکاتوریست معروف فلسطینی به نام ناجی العلی آشنا شد. بعد از این، کویت نیز مانند دیگر کشورهای عربی، عرصه را برای احمد مطر و اشعارش تنگ کرد. او به همراه ناجی العلی، کویت را ترک کرده و به لندن رفتند. مدتی بعد، دوست احمد مطر در یکی از خیابان‌های لندن ترور شد. به همین دلیل احمد مطر، شعری طولانی با عنوان ما اصعب الکلام سرود. (عایش، ۲۰۰۵، ص ۱۷) احمد مطر، لقب‌های متعددی مانند شاعر تبعیدی و شاعر آزادی داشت (عایش، ۲۰۰۵، ص ۱۲). شاعرانه‌تجاری نیز از دیگر لقب‌های اوست (رضایی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۲).

#### ۴. اشعار احمد مطر

اشعار احمد مطر، در مجموعه‌ای هفت جلدی با نام *لافتات* و نیز چند کتابچه شعری به نام‌های *ما اصعب الکلام*، *انی المشنوق اعلاه و دیوان الساعه* چاپ شده است. *لافتات* به معنای پلاکاردهاست. او با این نام‌گذاری، می‌گوید که شعرش مانند پلاکاردهایی است که تظاهرات‌کنندگان و مخالفان ظلم، به نشانه اعتراض به دست می‌گیرند (رضایی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۸). احمد مطر در شعر نو عربی سبک جدید و خاصی ابداع کرد. از نام‌گذاری شعرش *لافتات*، تا شکل و عبارات و محتوای شعریش، ابتکار خاصی است (عایش، ۲۰۰۵، ص ۱۷). اشعارش کوتاه و روان، ساده و حاوی موضوعات سیاسی کوبنده در قالبی طنزگونه و تمسخرآمیز است که گاهی با حزن و اندوه و گاهی با امید و شجاعت و مبارزه همراه می‌شود. احمد مطر در شعرش عناصری را به کار گرفته که مخاطب با آن انس دارد. مانند اشعار معروف عرب و ضرب‌المثل‌ها و عبارات عامیانه و نیز مضامین اسلامی مانند احادیث و آیات قرآن. آگاهی احمد مطر نسبت به آیات قرآن که به این شکل در معاصرانش کمتر دیده می‌شود، بسیار جالب توجه است. وی از بعد معنایی و مضمونی و نیز بعد موسیقی قرآن، در شعرش بهره برده و به این صورت، اشعار خود را مزین و زیبا کرده است.

#### ۵. تأثیرپذیری از قرآن

احمد مطر در بکارگیری آیات قرآن در اشعارش، روش خاص و جدیدی را به کار گرفته است. روشی که در جایی دیده نمی‌شود. یک شاعر، عبارات یا لفظی از آیات و یا معنی آنها را به شعر یا متن ادبی خود اضافه می‌کند تا به معنای شعری خود که متناسب با آیه است، تکامل بخشیده و بر زیبایی آن بیفزاید، اما سید احمد مطر، قرآن را در شعر خود وارد می‌کند و آن را به معنای وارونه

و معکوس سوق می‌دهد تا با روش طنزگونه نشان دهد که حکومت‌های مسلمانان، تا چه اندازه از قرآن فاصله گرفته است. به این صورت، با طنز تلخ و نیش دار، به مسئولین و حکومت‌هایی که تعالیم اسلامی را به باب میل خود تأویل کرده و مدعی اسلام هستند، اما برخلاف اسلام و قرآن عمل می‌کنند، انتقاد کرده و آنها را سرزنش می‌کند. وی در شعرش، مسائل، موضوعات و عبارات را به گونه‌ای در هم می‌پیچد که تصویری از به هم ریختگی و نابسامانی اوضاع حکومت‌ها و مردم را نشان می‌دهد، گویی شعرش آینه‌ای از هرج و مرج کشورهای اسلامی، به ویژه کشورهای عربی است. از جمله تأثیرپذیری احمد مطر از آیات قرآن کریم، تأثیرپذیری از عبارات و جملات قرآن است که در شعراو، بسیار دیده می‌شود.

### ۱-۵. قلة الادب

قرأت فی القرآن: «تبت ید اابی لهب»:

فاعلنت و سائل الاذعان ان السکوت من ذهب

احببت فقری لم ازل ان اتلو و تبت

«ما اغنی عنه ماله و ما کسب»:

فصودرت حنجرتی بجرم قلة الادب و صودرال قرآن لانه حرضنی علی الشغب (مطر، ۱۹۸۴، ۱۱/۱) در این شعر، شاعر با تأثیرپذیری از ۲ آیه نخست سوره مسد، گوشه‌ای از فضای اختناق در کشورهای عربی و تضاد میان سیاست حاکم و قرآن را ترسیم می‌کند که گفتن حرف حق و سرزنش ظالمان، مانند محکوم کردن ابولهب که نماد کفر و نفاق است، مردود شمرده شده و رسانه‌ها با ذلت سکوت کرده و می‌گویند: «سکوت از جنس طلاست»، اما شاعر در برابر سلطه حاکمان ایستاده و آیات سرزنش ابولهب را ادامه می‌دهد. در نتیجه حنجره‌اش و نیز قرآن که موجب آشوب‌گری و اعتراض مردم علیه ظلم است، مصادره می‌شود. (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۱۸۹)

به این صورت، شاعر با استفاده از این عبارات، واقعیت تلخ کشورهای عربی را ترسیم کرده و جرم تعرض به آزادی و مقدسات را به تصویر می‌کشد؛ زیرا وی در این شعر، علیه حاکم و سلطان، چیزی نگفته و تنها چند آیه از قرآن را می‌خواند، اما حاکم، این چند آیه را نیش و کنایه علیه خود دانسته و در صدد نابودی آن برمی‌خیزد. (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۱۸۹)

### ۲-۵. شعر عائدون

ولقد الاسی للمرة الالف فلاعنا و لا هم یحزنون (مطر، ۱۹۸۴، ۴۰/۱)

در این شعر، شاعر اوضاع اسف بار فلسطین را به نمایش کشیده و به سرود فلسطینی عائدون

اشاره می‌کند. احمد مطر در این شعر با لحن ناامیدانه و با سرزنش مدعیان حمایت از فلسطین، بازگشت رانه به وطن، بلکه به همان اوضاع اسف بار دانسته و می‌گوید: «اندوه برای هزارمین بار بازگشت، اما نه ما برگشتیم و نه مدعیان حمایت، محزون و غمگین هستند». در انتهای شعر، آیه ۳۸ سوره بقره را به کار برده است.

### ۳-۵. شعر عاش یسقط

یا قدس معذرةً و متلی لیس یعتذرُ  
مالی یُد فی ما جرى فالامرُ ما امروا  
هزی الیک بجذع مؤتمر یساقط حولک الهمدُرُ  
عاش اللهیب ویسقط المطر (مطر، ۱۹۸۴، ۶۸/۱)

در این شعر، شاعر با تأثیرپذیری از آیات ۲۵ و ۲ سوره مریم و با کمی جابجایی کلمات، درباره فلسطین نوشته، از قدس مغذرت خواهی کرده و کنفرانس های مربوط به قدس را بی نتیجه می‌داند که اگر تنه کنفرانسی را حرکت بدهی، چیزی جز بیهودگی از آن نمی‌ریزد. علت مغذرت خواهی وی از قدس این است که نمی‌تواند به صورت مسلحانه از آن دفاع کند؛ زیرا در تبعید به سر برده و تنها سلاحش کلام و شعر است و با همین راه، مسئله فلسطین را دنبال می‌کند. وی علت گم شدن و عدم پیشرفت در نجات این منطقه را نتیجه راه حل های مسالمت آمیز رؤسا دانسته و معتقد است که اینان به فلسطین خیانت کردند و جلساتشان را تمسخر کرده و آن را سدی در برابر انقلاب و شورش مردم می‌داند. در پایان شعر، منظور از لهیب یا زبانه آتش، جمعیت انقلابی فلسطین است و مطریا باران، حاکمان هستند که زبانه های آتش انقلاب را خاموش می‌کنند و تا وقتی که این حاکمان بی کفایت بر فلسطین حکومت می‌کنند، مردم نمی‌توانند در برابر دشمن بایستند و قدس را آزاد کنند. (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۸۴)

### ۴-۵. شعر کلمات فوق الخرائب

در این شعر، شاعر با استفاده از آیه ۳۴ سوره نمل، ویرانه های بیروت را رثا کرده و می‌گوید:

قفوا حول بیروت صلو علی روحها و اندبوها

ویکتب فوق الخرائب ان الملوک (مطر، ۱۹۸۴، ۹۷/۱)

مطر، حاکمان و پادشاهان مستکبر را به عنوان عامل ویرانی و خرابی این شهر معرفی می‌کند.

### ۵-۵. شعر القرصان

بنینا من ضحایا امسنا جسرا  
وقدمنا ضحایا یومنا نذرا

لنلقی فی غد نصرأ  
ولکن قام عبد الذات

یدعوا قائلأ صبرأ  
وانجب صبرنا صبرا

و عبد الذات لم يرجع لنا من ارضنا شبرا

من صبرا الی مصر

«فسبحان الذی اسری بعبد الذات». (مطر، ۱۹۸۴، ۱/۹۷)

در این شعر، شاعر باز هم به موضوع فلسطین توجه کرده که قربانی زیادی داده تا به پیروزی برسند، اما همچنان باید صبر کنند، در حالی که این صبر به طول انجامید و چیزی از زمین هایشان را پس نگرفته و در مناطق مختلف، آواره شده و به وطن بازنگشتند.

همه اینها به علت راه کارهای بی فایده و نیرنگ و حيله‌گری مسئولین است که در طول عصرها، فرزندان یتیم از والدین یتیم متولد شدند و یک به یک در برابر آنها به شهادت رسیدند، اما همچنان این مسئولان بی وجدان، غرق در لذات و لهو خود بوده و کاری نمی‌کنند. (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۸۳) در اینجا آیه اول سوره اسراء استفاده شده است: «سبحان الذی اسری بعبد لیلا من المسجد الحرام الی مسجد الاقصی» (اسراء: ۱) در عبارت و انجب صبرنا صبرا، صبر اول به معنای ایستادگی و تحمل بوده و صبرا، منطقه‌ای در لبنان است که پناهندگان فلسطینی در آن بودند و اسرائیلی‌ها مردمش را قتل عام کردند. (الهاشمی، ۱۳۹۸)

#### ۵-۶. شعر جاهلیه

فی زمان الجاهلیه کانت الاصنام من تمر

وان جاع العباد

فلهم من جثه المعبود زاد

و بعصر المدنیه

صارت الاصنام

تأینا من الغرب

ولکن... بثیاب عربیه

«تعبد الله علی حرف»

و تدعوا للجهاد (مطر، ۱۹۸۴، ۱/۱۱۵)

در این شعر، شاعر معبود یا بت زمان حاضر و زمان جاهلیت را مقایسه کرده و می‌گوید که بت در زمان جاهلیت، از خرما ساخته می‌شد و در هنگام گرسنگی برای بنده‌ها سود داشت، اما در حال حاضر، بت‌ها انسانی هستند که تظاهر به دینداری می‌کنند، اما ساخته و پرورش یافته غرب بوده و سودی برای مردم ندارند. آنها با دشمنان امت، پیوستگی و ارتباط داشته و دارای

صفات حيله گری هستند. آنها مصیبتی هستند که خیرات کشورها را نابود می‌کنند. بنابراین، شاعر به صورت تمسخرآمیز می‌گوید: «خداوند آن روزهای جاهلیت را رحمت کند». (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۲۹۱)

در این شعر، از آیه ۱۱ سوره حج استفاده شده است: «و من الناس من یعبد الله علی حرف» (حج: ۱۱).

### ۵-۷. شعر علامات علی الطریق

تهت عن بیت صدیقی

فسألت العابرين

قیل لی امشی یسارا

ستری خلفک بعض المخبرین

حفظ الله امیر المخبرین

فلقد اتخمت بالامن بلاد المسلمین

ایها الناس اطمئنوا

هذه ابوابکم محروسه فی کل حین

«فادخلوها بسلام امنین». (مطر، ۱۹۸۴، ۱/۱۲۵)

اینجا نیز شاعر با استفاده از آیه ۳۴ سوره حجر، فضای اختناق و خفقان آور کشورهای عربی را به تصویر می‌کشد که همه شهرها و کوچه پس‌کوچه‌ها، پراز جاسوسان و خبرچینان است تا اگر کسی دست از پا خطا کرده و علیه حاکمیت، کوچکترین عملی انجام دهد، خبر به حاکم می‌رسد. شاعر این فضا را به صورت طنز و مهارت خاصی ترسیم می‌کند.

### ۵-۸. شعر «ان الانسان لفی خسر»

«والعصر، ان الانسان لفی خسر»

فی هذا العصر، فاذا الصبح تنفس

اذن فی الطرقات نباح کلاب القصر

قبل اذان الفجر

وانغلق ابواب یتامی

وانفتحت ابواب القبر (مطر، ۱۹۸۴، ۱/۱۲۷)

در این شعر، شاعر با تأثیرپذیری از آیات اول و دوم سوره والعصر و نیز آیه ۱۸ سوره تکویر، اوضاع

خفقان آور کشورهای عربی را نشان می‌دهد که قبل از بیدارشدن شهر، صدای پارس سگ‌های بازجویی و حکومتی در کمین مردم است.

### ۵-۹. شعر «این المفر»

المرء فی اوطاننا

معتقل فی جلدہ

منذ الصغر... این المفر؟

اوطاننا قیامہ

لا تحتوی غیر سقر (مطر، ۱۹۸۴، ۱/۱۳۱)

در شعر، شاعر به اوضاع نابسامان و فضای سخت و طاقت فرسای کشورهای عربی پرداخته و می‌گوید که از شدت اختناق، گویی حاکمان سلطه‌جو در دنیا، برای مردم قیامتی ساخته‌اند که راه فراری از آن نیست و از عبارت قرآنی «این المفر» استفاده می‌کند.

### ۵-۱۰. شعر «عزاء علی بطاقه التهنئه»

لمن نشکو مأسینا؟

و من یصغی لشکوانا؟

ولاة الامر ما خنتم و لا هنتم

و لا ابدیتم اللینا

سحقتم انف امریکا

فلم تنقل سفارتها

ولو نُقِلت

«معاذ الله»

لونقلت

لضیعنا فلسطینا (مطر، ۱۹۸۴، ۱/۱۳۵)

در این شعر، شاعر بار سختی‌ها و رنج‌های مردم را به تصویر کشیده و دلیل همه دردها را حاکمان سلطه‌جو و بی‌کفایت می‌داند که در اینجا با حالتی طنزگونه و با تمسخر، به حاکمان تبریک می‌گوید که به آن حد و درجه بی‌کفایتی نرسیده‌اند که آمریکا بتواند سفارت خود را به فلسطین منتقل کند و تا آن حد فلسطین را از دست نداده‌ایم و از عبارت معاذ الله که در آیه سوره یوسف است، استفاده کرده است.



## ۵-۱۱. شعر فبأی آلاء الشعوب تکذبان

الکل فان

لم یبق الا وجه ربک ذی الجلاله والجلان

فبأی آلاء الولاه تکذبان

وله الجوارى الثائراتُ بکل حان

وله القیان

وله الاذاعه دجن المذیاع لقنه البیان (مطر، ۱۹۸۴، ۱/۱۵۱)

در این شعر، شاعر با هنرمندی و مهارت زیبا و با بیانی طنزگونه و تمسخرآمیز، حاکمان ظالم را به تصویر می‌کشد، در حالی که جملات شعر خود را بر اساس آیات سوره رحمن تطبیق داده و با تغییر واژه‌های آیات، آن را با موضوع شعر خود هماهنگ می‌کند. به این صورت که در سوره الرحمن، با شمردن نعمت‌های خداوند، بعد از هر چند آیه، آیه «فبأی الاء ربکما تکذبان» را تکرار می‌کند، اما در این شعر، احمد مطر بعد از برشمردن نعماتی که از سوی حاکمان بر ملت‌ها فرود می‌آید، عبارت «فبأی الاء الولاه تکذبان» را تکرار می‌کند.

احمد مطر این شعر را بعد از فاجعه صبرا و شاتیلا، یعنی قتل عام فلسطینی‌های پناهنده در لبنان سرود که انفجاری دردناک و تلخ در وجدان شاعر ایجاد کرد. البته وی در شعر، به صورت مستقیم موضوع را بیان نکرده، اما در مصاحبه و نیز در مجله‌ای که این شعر منتشر شد، موضوع بیان شده است. (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۷۴)

## ۵-۱۲. شعر اذا الضحایا سنلت

قافله تائهة

دلیلها یستر قیح فعله

بصبرها الجمیل

رأیتها تغرق فی دمائها

و الدمع و العویل

اذا الضحایا سنلت

«بأی ذنب قتلت؟»

لا تفتضت اشلاؤها و جلجلت

بذنب شعب مخلص

لقائد عمیل (مطر، ۱۹۸۷، ۳۱/۲)

در این شعر، شاعر همکاری با حکام دست‌نشانده استعمار را محکوم کرده و علت رنج و سختی و بدبختی ملت را تبعیت از حاکمیت سلطه‌جو و طاغوت می‌داند. در این شعر نیز از عبارات قرآن، یعنی آیات ۸ و ۹ سوره تکویر تأثیرپذیری شده است: «وإذا المئوده سئلت \* بأی ذنب قُتلت» (تکویر: ۸-۹).

### ۵-۱۳. شعر الامل الباقي

هدنا اليأس

وفات الغرض

لم يعد من املٍ يرجى سواكم

ايها الحكام بالله عليكم

«اقرضوا الله لوجه الله» «قرضاً حسناً»

وانقرضوا (مطر، ۱۹۸۹، ۹۳/۳)

در این شعر، شاعر اوضاع نابسامان کشور و هرج و مرج را به تصویری می‌کشد که هیچ امیدی برای خلاصی از این شرایط نمی‌بیند جز اینکه خود حاکمان، در راه خدا کار نیکی انجام دهند و از بین بروند تا عالم نفسی کشیده و اوضاع بهبود یابد و به این صورت با حالت طنز، حاکمان را دلیل تمام مشکلات معرفی می‌کند. در این قسمت از شعر خود، از آیه ۱۸ سوره حدید استفاده کرده است: «اقرضوا الله قرضاً حسناً» (حدید: ۱۸).

### ۵-۱۴. شعر طلب انتما للعصر الحجري

اهل الضفه انتم الحق

و جميع الناس اباطيل

انتم خاتمه الاحزان

وانتم فاتحه القرآن

يا من تعتصمون بحبل الله جميعا

و بأيديكم حجز من سجيل

سيروا و الله يوفقكم

حتى جئتم

لتعيدوا ترتيت الدنيا

و تعیدوا وضع المیزان

«هذا ما وعد الرحمن». (مطر، ۱۹۸۹، ۱۴۹/۳)

این شعر، از جمله شعرهای طولانی احمد مطر درباره فلسطین است. علاوه بر وصف اوضاع این منطقه، به مردم امید داده و آنها را به تلاش و پایداری دعوت می‌کند. منظور از اهل الضفه در این متن، مجاهدان حقیقی است که با سنگ در برابر تانک می‌ایستند. (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۲۲۴) اینجا نیز شاعر از آیاتی مانند آیه ۱۰۳ سوره آل عمران «واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا» و آیه ۵۲ سوره یاسین «هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون» استفاده کرده است.

### ۵-۱۵. شعر تعاون

«اقسم بالله الصمد» «و والد و ما ولد»

و كل ما فی الدین و الدنیا ورد

ان الحرائق التی

قد اكلت هذا البلد

اشعلها فیل بعیدان ثقاب من حمار و بنفط من فهد (مطر، ۱۹۹۲، ۲۵/۴)

در این شعر با به کار گرفتن آیات قرآن درباره کسانی که موجب فساد و به آتش کشیده شدن کشور شدند، صحبت کرده و به صورت نمادین آنها را معرفی می‌کند. در اینجا از آیه ۱ و ۳ سوره بلد تأثیرپذیری شده است: «لا اقسم بهذا البلد\* و والد و ما ولد».

این شعر درباره جنگ عراق با کشورهای ایران و کویت است که شاعر با استفاده از کلمه‌های نمادین، افرادی که عامل این امر بودند، را معرفی می‌کند. فیل، نماد آمریکا، حمار نماد صدام و فهد نام حاکم عربستان است. (الهاشمی، ۱۳۹۸)

### ۵-۱۶. شعر مبادئ الكتابه العربیه

ایاک ان تکتب باسواء

فیغضب الشی الذی

سیماه فی منطقه من اثر الغباء

ایاک ان تکتب بالمقلوب

فیغضب الشی الذی

سیماه فی منطقه من اثر المشروب (مطر، ۱۹۹۲، ۶۹/۴)

احمد مطر در این شعر درباره عدم وجود آزادی بیان و فضای اختناق کشورهای عربی صحبت

کرده و نویسندگان به هر شکل بنویسند، موجب غضب و خشم حاکم می‌شود. در این شعر از آیات قرآن تأثیرپذیری شده و آیه ۲۹ سوره فتح «سیماهم فی وجوههم من اثر السجود» با تغییر الفاظ متناسب معنی شعر آمده است. (الهاشمی، ۱۳۹۸)

### ۵-۱۷. شعر واحد بواحد

نعم انا ملعون

لا احسن الظن انا بسيئات الدّون

اقول دون رهيه من غدر فرعون

و دون رغبه في ما لدی قارون

ماذا اذن تبغون

ان اترك الشتم وان

اتولکم

«والتين و الزيتون» ممنون (مطر، ۱۹۹۲، ۱۱۱/۴)

لغات: دون: پستی، کوتاهی. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴۳۴/۲)

شتم: کلام زشت، فحش. (ابن منظور، ۳۹۶/۳)

بیان طنزگونه عدم وجود آزادی بیان و ابراز ناراضی از حاکمان که شاعر از این کارها دست نکشیده و همچنان به اعتراض علیه حاکم و سب و شتم آنها ادامه می‌دهد و به صورت تمسخر به آنها می‌گوید: «می‌خواهید اعتراض را رها کنم و برایتان «والتين و الزيتون» بخوانم و درباره نعمت‌های الهی حرف بزنم؟» اینجا از آیه اول سوره التین استفاده کرده تا بیان طنزگونه‌اش را زیباتر کند. (الهاشمی، ۱۳۹۸)

### ۵-۱۸. شعر المذبحه

أغنى مثل «نیرون» و «روما» فی دمی محترقه!؟

کبدی منفتقه

بی من الحقد محیطات

و غابات / وید

و جبال شاهقه

بی من الحقد خزین

لو تجلی للسموات لخرت صعقه (مطر، ۱۹۹۲، ۴/۱۳۴)

فتق: شکافته شدن، نوعی بیماری (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۵/۸۸)

در این شعر هم شاعر، مقدار کینه خود را نسبت به حاکمان جور ابراز کرده و از آیه ۱۴۳ سوره اعراف استفاده می‌کند: «فلما تجلی ربه للجبل جعله دكاً خَرَّ موسى صعقاً؛ من أنقدر کینه دارم که اگر این کینه‌ها برای آسمان‌ها جلوه کند، آسمان‌ها مدهوش به زمین می‌افتد». در ادامه شعر، به بیان بی-انصافی حاکمان و بی‌عدالتی در جامعه پرداخته و از آیه ۳۸ سوره مائده استفاده کرده و می‌گوید: «ولی السیف، به یقظع السارقُ کَفَّیَّ بدعوی السرقه؛ و شمشیر برای من است. به وسیله آن، دزد دستان مرا به تهمت دزدی می‌برد». (الهاشمی، حسن، مترجم معاصر)

این شعر، یکی از قصاید طولانی احمد مطراست که نامش طنزی است که از بین‌النهرین، یعنی میان دوردجله و فرات گرفته شده و شاعر در سطر سطر آن، از آیات قرآن استفاده کرده و اوضاع کشورهای عربی را بیان می‌کند.

الم یاتکم نباء الاجتیاح؟

لقد کان هذا لکم عبره

یا اولی النبطاح

«الم یاتکم نباء الذین کفروا من قبل». (تغابن: ۵)

«فاعتبروا یا اولی الابصار». (حشر: ۲)

الاهل اتاکم حدیث الجنود؟

«هل اتاک حدیث موسی». (طه: ۹)

و دارو اعلی النار ذات الوقود

و دارت خوازیق ذل

و اذهم علیها قعود

و انتم علیها شهود.

«النار ذات الوقود\* اذهم علیها قعود\* و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود». (بروج: ۵-۷)

فعال کرام فعال کرام

علیها السلام

اعدوا لها ما استطعتم

من الاحترام.

«اعدو لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل». (انفال: ۶۰)

وتلك النعال نداولها بينكم يا نشام  
 فخرجوا لها سجداً او نياما  
 «و تلك الايام نداولها بين الناس». (آل عمران: ۱۴۰)  
 «خرجوا سجدا و سبحوا». (سجده: ۱۵)  
 اذا جاء نصر الذی ما انتصر  
 فسبح بحمد الصور  
 «اذا جاء نصر الله و الفتح». (نصر: ۱)  
 «فسبح بحمد ربك و استغفر». (نصر: ۳) (مطر، ۱۹۹۲، ۴/۱۴۵)

### ۵-۲۰. شعرهات العدل

من یدرینی  
 ان لسانک یلهج باسم الله  
 و قلبک یرقص للشیطان  
 الایمان الظالم کفر  
 و الکفر العادل ایمان  
 هذا ما وعد الرحمن (مطر، ۱۹۹۴، ۵/۵۶)  
 در این شعر که درباره عدالت و انصاف واقعی است، آیاتی از قرآن به کار گرفته شده مانند «بسم  
 الله» و نیز آیه ۵۲ سوره یاسین: «هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون».

### ۵-۲۱. شعر جواز

قال: الهی... اننی لم احفظ السنّه  
 ولم أقدم لغدی  
 ما یدفع المحنه  
 عصیت الف مره  
 لکننی  
 و منک کل الفضل و المنه  
 کنت بریثاً دائماً  
 من حب امریکا  
 و من حب الذی یحب امریکا

عليها و على آباءه اللعنه

هل لي من شفاعه؟

قيل الدخل الجنه! (مطر، ۱۹۹۴، ۶۴/۵)

شاعر در این ابیات به صورت طنزگونه، شدت نفرت خود از آمریکا را نشان داده و می‌گوید که با وجود همه گناهان و معصیت‌ها، به علت منزّه بودن از محبت آمریکا، اجازه ورود به بهشت و شفاعت را می‌توان کسب کرد و از آیه ۲۶ سوره یاسین تأثیر پذیرفته است: «قيل ادخل الجنة قال يا ليت قومي يعلمون». (یس: ۲۱). (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۲۹۱)

## ۵-۲۲. شعر الدَّوْلَه

قالت خبير

شبران ولا تطلب اكثر

هذا يكفى

الشرطه فى الشبر الايمن

و المسلخ فى الشبر الايسر

انا اعطيناك المخفر!

فتفرغ لحماس وانحر

ان النحر على ايدىك سيغدو ايسر (مطر، ۱۹۹۴، ۷۵/۵)

شعر الدوله، درباره اوضاع نابسامان دولت و خفقان در آن است. در این شعر، از سوره کوثر استفاده شده و شاعر، الفاظ و آیات این سوره را متناسب با موضوع مورد نظر خود تغییر داده است. در این شعر نیز شاعر مقایسه جالبی بین گذشته و حال دارد. شاعر، موضع یهودیان خیبر را که پس از بدعهدیشان، نتوانستند وارد زمینشان شوند، ترسیم می‌کند. سپس واقعیت تلخ امروزی را که یهودیان، سرزمین مسلمانان را اشغال کرده و آنها را در حصار و خفقان قرار داده‌اند، بیان کرده است. (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۲۹۳)

## ۵-۲۳. شعروصايا البغل المستنير

قال بغل مستنير واعظا بغلاً فتيا

يا فتى اصغ اليا

انما كان ابوك امراً سوء

و كذا امك قد كانت بغيا

انت بغلُّ

یا فتی احفظ وصایا

تغش بغلا

و الا ربما یمسحک الله، رئیساً عربیاً! (مطر، ۱۹۹۴، ۵/۷۶)

البغل، حیوانی است که روی آن سوار می‌شوند مانند الاغ. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱/۲۳۰)

شاعر در این شعر با الفاظی بسیار کوبنده، به رؤسا و حاکمان عرب هجوم آورده و آنها را الاغ مسخ شده می‌نامد. وی از آیه ۲۸ سوره مریم تأثیر پذیرفته، اما به صورت کلی، معنا و منظور دیگری را بیان کرده و از موضوع و محتوای قرآنی، تنها الفاظ را گرفته و به صورت معکوس برای مقصود شعری خود به کار می‌برد. (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۲۹۱)

#### ۵-۲۴. شعد اعد عینی لکی ابکی علی ارواح اطفالک

اعد قدمی

لکی امشی الیک معزیا فینا

فحالی صار من حالک

اعد کفی

اعد عینی

لکی ابکی علی ارواح اطفالک

اتعجب اننی ابکی؟!

نعم ابکی

لأنی لم اکن یوماً

غلیظ القلب فظاً مثل امثالک (عایش، ۲۰۰۵، ص ۳۴)

این شعر درباره حادثه ۱۱ سپتامبر و انفجار برج‌های دوقلوی آمریکا است که به صورت طنز بیان شده و از آیه ۱۵۹ سوره آل عمران تأثیر گرفته است: «و لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک» (آل عمران: ۱۵۹). (عایش، ۲۰۰۵، ص ۳۳)

#### ۶. تأثیرپذیری از مفردات قرآنی در شعر احمد مطر

تأثیرپذیری از مفردات و الفاظ قرآنی نیز از جمله موارد تأثیرپذیری‌های شعر احمد مطر از قرآن است.



## ۱-۶. عزاء علی بطاقه تهنئه

فوالینا

اдам الله والینا

رأنا امهً وسطاً

فما ابقا لنا دنیا

ولابقی لنا دینا (مطر، ۱۹۸۴، ۱/۱۳۴)

این شعر درباره اوضاع نابسامان مردم فلسطین به علت بی‌کفایتی مسئولان و حاکمان سروده شده است. لفظ امهً وسطاً در این شعر، از مفردات قرآنی ست، اما شاعر معنای آن را براساس مبحث خودش تنظیم کرده و معنای قرآنی آن مورد نظر نیست. آیه ۱۴۳ سوره بقره: «و کذالک جعلناکم امهً وسطاً لتکونوا». (الهاشمی. حسن، مترجم معاصر)

## ۲-۶. این المفر

اوطننا قیامه

لا تحتوی غیر سقر

و المرء فیها مذنب

و ذنبه لا یغتفر (مطر، ۱۹۸۴، ۱/۱۳۲)

بیان اوضاع نابسامان مردم و ظلم حاکمان جور که در دنیا برای مردم قیامتی ساخته اند که نمی‌توان از آن فرار کرد. لفظ سقر از جمله الفاظ قرآنی است که در این شعر استفاده شده است. آیه ۲۶ و ۲۷ سوره مدثر: «سأصلیه سَقَر\* و ما ادراک ما سَقَر». (الهاشمی. حسن، مترجم معاصر)

## ۳-۶. مصادره

تقول لی والدتی: یا ولدی

ان شئت أن تنجوا من النحس

وان تكون شاعراً محترماً الحسّ

سبح لرب «العرش»

واقراً آیه «کرسی» (مطر، ۱۹۸۷، ۲/۴۸)

در این شعر ابیاتی درباره عدم وجود آزادی بیان شده و مجازات نویسندگان دیده می‌شود و از الفاظی مانند سبح، رب، عرش، آیه، کرسی که مفردات قرآنی هستند، استفاده شده، اما معنایی که در قرآن می‌رسانند، با معنای شعری مقصود شاعر متفاوت است. (الهاشمی. ۱۳۹۸)

## ۶-۴. الخلاصه

ان لا ادعوا

الی غیر السراط المستقیم

انا لا اهجوا سوی کَلِّ عتل و زنیم

و انا ارفض أن

تصبح ارض الله غابه و اری فیها العصابه

تتمطی وسط جنات النعیم

و ضعف الخلق فی قعر الجحیم (مطر، ۱۹۸۷، ۱۱۳/۲)

در این شعر، شاعر اختلاف حاکمان و رؤسای عرب را با قرآن مطرح کرده و از الفاظ قرآنی متعددی استفاده می‌کند.

- عتل و زنیم، یعنی خصومت شدید، با خشونت. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۵۴/۴)

- صراط مستقیم: سوره حمد آیه ۶. عقل و زنیم: سوره قلم آیه ۱۳. جنات و نعیم: سوره طور آیه ۱۷، جحیم: سوره نازعات آیه ۳۹.

## ۶-۵. أمنت بالاقویه

و نحن فی سفر المعالی

صفحه تهرأت

و أن أن تطوی

یا ربنا

أنزل علینا الموت و السلوی! (مطر، ۱۹۸۷، ۱۳۵/۲)

شکوه از اوضاع ملت، بی‌تدبیری حاکمان و به تصویر کشیدن هرج و مرج، از اوصاف و موضوعات این شعر است. واژه سلوی در عبارت «أنزل علینا الموت و السلوی!» از آیه ۵۷ سوره بقره: «و انزلنا علیکم المن و السلوی»، تأثیر پذیرفته است. (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۹۴)

## ۶-۶. «لا اقسم بهذا البلد»

و الطور

و المخبر المسعور

(مطر، ۱۹۸۹، ۱۰۵/۳)

المسعور، یعنی گویا جنون دارد، دیوانه، وحشی. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۶۶/۴)

این شعر نیز مانند بسیاری از اشعار احمد مطر، درباره اوضاع اسف بار و نابسامان مردم است که زیر سلطه طاغوت و حاکمان ظالم، دست و پا می زنند و امیدی ندارند. عنوان این شعر، از آیه اول سوره بلد گرفته شده و شعر، با آیه اول سوره طور آغاز شده است.

#### ۶-۷. شعر انصاف و الانصاف

وابنه- و هو جنین

یتقاضی راتباً

اکبر من راتب اهلی اجمعین

فی مدی عشر سنین

ربنا هل نحن «من ماء مهین»

وابنه من «ببسی کولا»؟!

ربنا هم نحن من وحل و طین

وبنه من «اسپرین»؟! (مطر، ۱۹۹۲، ۴/۸۵)

در این شعر، بی انصافی و بی عدالتی حکام و بهره آنها و خانواده هایشان از اموال فراوان و فقر ملت مطرح می شود. شاعر به صورت طنزگونه، به خداوند شکوه می کند که آیا ما از «ماء مهین»، یعنی آب پست خلق شده ایم و فرزندان حکام از نوشابه؟!

شاعر در اینجا نیز از آیه ۸ سوره سجده استفاده کرده و منظور شعری خود را بیان می کند. احمد مطر در این شعر، مسئله فقر را که از مسائل اجتماعی است مورد توجه قرار داده و وضعیت معیشتی مردم با حاکمان و مسئولان را با هم مقایسه می کند. (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۹۴)

#### ۶-۸. بلاد ما بین النهرین

ویل لمن لا یفک الحزام

و طوبی لبغل

تسامی لنعل

و اذ قال ابلیس انی اریکم سبیل الرشاد، فیا قوم شلت ید الاقتصاد

و ران الکساد (مطر، ۱۹۹۲، ص ۱۴۸)

در این شعر، علاوه بر عبارات قرآنی، مفردات قرآنی بسیاری نیز وارد شده و شاعر در جملات خود از الفاظ قرآنی استفاده کرده و معنا و مقصود خاص خود را از این طریق می رساند. از جمله واژه های قرآنی استفاده شده در این شعر، واژه ویل است که در آیات قرآن چندین بار تکرار شده است: «ویل

للمطففين) «مطففين: ۱»؛ «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ». (همزه: ۱). واژه طوبی نیز در آیه ۲۹ سوره رعد آمده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسَنَ مَا بُعِدَ لِعِبَادِ اللَّهِ إِلَّا الطُّوبَىٰ» (رعد: ۲۹). واژه ابلیس، در آیاتی مانند آیه ۷۵ سوره ص آمده است. واژه سبیل الرشاد نیز از واژه‌های قرآنی است که در آیات متعددی در قرآن دیده می‌شود مثل آیه ۳۸ سوره غافر. از مطالبی که در این شعر مطرح شده، اقتصاد است و حاکمان بی‌کفایتی که موجب ضعف در این زمینه شده‌اند. (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۸۶)

## ۶-۹. دجاج الفتح

ربع قرن

أبو القرنين

يعدو بك من قرن لفرن

و يطريك بدهن

ايها الشعب المجيد

اسألو جغرافيا التاريخ

هل حورب شيطاناً بشيطانٍ مرید؟ (مطر، ۱۹۹۴، ۱۵۰/۵)

در این شعر، شاعر اوضاع نابسامان ملت‌ها و بی‌تدبیری حاکمان را به تصویر کشیده و از الفاظ و مفردات قرآنی استفاده می‌کند. لفظ ابوالقرنین، متأثر از لفظ ذوالقرنین در آیه ۸۳ سوره کهف است: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ» (کهف: ۸۳). واژه «شیطان مرید» در آیه ۳ سوره حج آمده که می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَجَادِلُ اللَّهَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مُّرِيدٍ».

## ۶-۱۰. ما هیه التاريخ

الهدا خلق الله البطون

الهدا كل ما كان و ما سوف يكون!؟

رب غفرانك انا مؤمنون (مطر، ۱۹۹۶، ۵۰/۶)

در این شعر، احمد مطر به صورت طنزگونه، حاکمان سلطه‌جو و حرص و شکم‌پرستی آنها را به تصویر کشیده و از الفاظ قرآنی استفاده کرده است. واژه‌های خلق، رب، غفران و مؤمنون، از الفاظی هستند که در قرآن بسیار دیده می‌شوند.

## ۶-۱۱. ارجوزه الاوباش

قادتنا انصاب

اشرفهم نصاب!

وقاده السلام  
 ترمی لنا فی الباب  
 مواعظ الارباب  
 قل یا اولی الالباب  
 قضا من الجلباب  
 واعفوا للحی وقصروا الشوارب  
 فان خیر الزاد  
 بالكذب یستزاد (مطر، ۱۹۹۶، ۵۹/۶)

در این شعر، اوضاع جامعه، علمای دین و سرمایه داران نقد شده و شاعر با طنزی خنده‌آور، زشتی کارهایشان را به نمایش می‌کشد. واژه اولی الالباب، در موارد متعددی در قرآن آمده است: «فتقوا الله یا اولی الالباب» (مائده: ۱۰۰).

لفظ «خیر الزاد» نیز از الفاظ قرآنی است که در آیه ۱۹۷ سوره بقره ذکر شده است: «فان خیر الزاد تقوی». (بقره: ۱۹۷)

#### ۱۲-۶. احصائیه

و اذا الصمت، فشهیر الصوم یغطی عامی!  
 و الابرار

فی الجنه، و الجنته نار! (مطر، ۱۹۹۶، ۷۹/۶)

عدم وجود آزادی، سختی زندگی در فقر، سلطه ظلم و حاکمان، از موضوعات مطرح شده در این شعراست. واژه‌های «و الابرار»، «جنه» و «النار» الفاضلی است که به وفور در قرآن دیده می‌شوند. (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۸۶)

#### ۱۳-۶. اسباب النزول

انا حیران

فأذا کان

فرعون حبیب الرحمن و الجنه فی ید هامان

و الایمان من الشیطان

فلماذا نزل ال قرآن (مطر، ۱۹۹۶، ۳۶/۶)

در این شعر، شاعر از برخی علمای دین انتقاد می‌کند. آن عده که نام عالم دین دارند، اما کوردل

و متعصبند و در جنبه‌های ظاهری دین تعمق و تعصب خرج می‌دهند، اما به اصل دین بی‌اعتنا هستند. شاعر، نام فرعون و هامان را ذکر کرده که به آیه ۶ سوره قصص اشاره دارد: «و نمکن فی لهم الارض و نری فرعون و هامان جنودهما منهم ما کانو یحذرون» (قصص: ۶). یا آیه «... ان فرعون و هامان و جنودها کانو خاطئین» (قصص: ۸). (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۸۶)

## ۷. تأثیرپذیری از داستان‌های قرآنی در شعر احمد مطر

در طول تاریخ اسلامی، داستان‌های قرآنی، منبع الهام بخش بسیاری از ادیبان و شاعران بوده و موضوعات اخلاقی و تربیتی و پندها و اندرزها در این داستان‌ها مورد توجه بسیاری از مردم قرار گرفته و در طول تاریخ، سینه به سینه منتقل شده به طوری که در زندگی مردم تأثیر داشته و در حافظه‌ها ماندگار شده است. احمد مطر، شاعر مسلمان که با قرآن ارتباط عمیقی داشته، از این امر مستثنی نیست. وی در تعدادی از اشعارش از داستان‌های قرآنی الهام گرفته و گاهی شعرهایش، داستانی قرآنی را به طور کامل در ذهن تداعی می‌کند. جالب توجه است که وی افراد داستان را عوض کرده و افراد دیگری را جایگزین می‌کند و قصه را با زمان حاضر پیوند می‌دهد. وی گاهی حوادث داستان را به صورت معکوس و متفاوت نقل می‌کند، گویا داستان دیگری می‌گوید، اما با استفاده از الفاظ و ترتیب حوادث همان قصه‌های قرآنی، ذهن را به سویی می‌کشد که هم آن داستان قرآنی برایش تداعی می‌شود و هم داستان جدید و متفاوتی را در قیاس با آن می‌سراید.

### ۷-۱. قف و رتل سوره النسف علی الوتن

لاتهاجر

کل من حولک غادر

کل ما حولک غادر

هذه الصحراء ما عادت امینه

امض ان شئت وصیاً

لاتسأل: این الرجال

کل اصحابک رهن الاعتقال

فالذی نام بماواک اجیر متأمر

ورفیق الدرب جاسوس، عمیل للدوائر

ستری غاراً فلا تمش امامه

ذلک الغار کمین

یختمفی حین نفوت  
 و تری لغماً علی شکل حمامه  
 و تری آله تسجیل  
 علی هیئه بیت العنکبوت  
 تلقط الکلمه حتی فی السکوت  
 ابتعد عنه و لا تدخل، والا ستموت  
 قبل ان یلقى علیک القبص  
 فرسان العشائر (مطر، ۱۹۸۴، ۱/۱۶۰)

این شعر، درباره قصه هجرت پیامبر ﷺ است. زمانی که مشرکین قصد جان حضرت رامی کنند و خوابیدن امام علی علیه السلام در بستر پیامبر ﷺ، پناه بردن به غار و... از حوادث بارز این قصه است. احمد مطر در این شعر، تمام این حوادث را به شیوه خودش بیان می‌کند، اما موضوع داستان، هجرت پیامبر ﷺ نیست، بلکه درباره یک شهروند عرب، فضای زندگی او و وجود اختناق و دیکتاتوری حکومت است و برای او هیچ راه فراری از سلطه حاکمان و جاسوسان نیست. شاعر، این شهروند را خطاب کرده و به او می‌گوید که مهاجرت نکن؛ زیرا هر کس و هر چیزی که اطراف توست، خائن است. این صحرا که راه فرار توست، امنیت ندارد و اگر می‌خواهی بروی تنها برو؛ زیرا همه دوستانت دستگیر شده‌اند و کسی که در بستر تو خوابیده، همدست دشمنان توست. در این قسمت، به جریان لیله المبیت اشاره می‌شود که امام علی علیه السلام در بستر پیامبر ﷺ خوابیده و مقدمات هجرت او را فراهم می‌کند، اما در داستان این شهروند عرب، هیچ دوست و همراهی نیست. همه یا دستگیر شده و یا خائن بوده‌اند و نمی‌توان به کسی اعتماد کرد و این حاکمی از شدت سلطه حاکمان و اختناق است.

سپس ادامه می‌دهد و به این شهروند می‌گوید که در مسیر تو غاری هست، اما به سمت آن نرو؛ زیرا آن غار، کمین است و کبوتری که می‌بینی بمب است و تار عنکبوت، دستگاه ضبط صداست و همه چیز و همه کس علیه تو درکارند. در اینجا نیز به ماجرای غار و تار عنکبوت و کبوتر اشاره می‌شود که همه اینها کمکی به پیامبر ﷺ بودند تا مسیر هجرت برای وی فراهم شود، اما در رابطه با شهروند عربی این شرایط وجود نداشته و همه درها بسته است.

طنز، داستان پردازی، استفاده از داستان‌های قرآنی، اغراق و... ابزارهایی هستند که احمد مطر در این شعر به کار برده تا تأثیرپذیری شعر خود را بیشتر کرده، بر دل و جان نفوذ کند و بر سختی‌های زندگی یک انسان زیر بار طاغوت و حاکمان بی‌کفایت تأکید شود. آیه ۴۰ سوره توبه، به

ماجرای هجرت پیامبر ﷺ اشاره دارد: «... اذ يقول لصاحبه لا تحزن ان الله معنا...». (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۸۶) شاعر براساس تجربه تلخ در کشورهای عربی، می‌گوید که نتیجه این فشارها این است که مردم به دنبال راه فرار می‌روند، اما باز به علت عدم وجود آزادی و فضای سخت حاکم، راه فرار را هم بسته نشان می‌دهد. بنابراین، تنها راهی که باقی مانده، انقلاب علیه طاغوت و حاکم بی‌کفایت ظالم است (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۹۰).

## ۷-۲. یوسف فی بئر البترول

سبع سنابل خضر من اعوامی

تذوی یابسَه

فی کف الامل الدامی

یا صاحب سجنی نبئی

ما رؤیا مأساتی هدی؟

فأنا فی اوطان الخیر

ممنوع منذ المیلاد من الاحلام

وانا اسقی ربی خمرا بییدی الیمنی

ویدی الیسری تتلقى امر الاعدام

واری قبری

مثل قصائد شعری

مزقا فی ایدی الحکام

واری حول البیت الایض

بیت اسود یجری بثیاب الاحرام

یرمی الجمرات علی صدری

ویحد السیف علی نحری

یوم النحر

واری سبع جوار کلاعلام

غض بهن ضمیر البحر

مند حلول اللیل، و حتی الفجر

وانا



ارقد فی غیابه بئری

اشرب فقری

رهن البرد، و رهن ظلامی

و تمر السیاره تشری

من بقیا جلدی و عظامی (مطر، ۱۹۸۷، ۱۶۹/۹)

همان طور که از عنوان این شعر پیداست، شاعر از داستان حضرت یوسف علیه السلام تأثیر پذیرفته و تلاش کرده تا با استفاده از حوادث و جریان های این داستان، داستان خود را درباره شهروند عرب که در دوره معاصر زندگی می کند، بسراید. داستانی جدید و معاصر که تداعی گر داستان و حوادث گذشته است. ماجرای افتادن حضرت یوسف علیه السلام در چاه، از عناصر مهم این داستان قرآنی است که شاعر، شهروند عربی را جایگزین حضرت کرده و به جای چاه آب در این شعر، چاه بترویل، یعنی سوخت جایگزین شده است. در شروع شعر، به خواب و رؤیایی اشاره دارد که حضرت یوسف علیه السلام آن را تعبیر می کند، اما در این خواب هفت سنبله سبز وجود دارد که خشک شده و از بین می روند. در واقع اینجا نیز اوضاع شهروند عربی و سختی های زندگی را با اغراق در هم آمیخته و داستان شهروند عرب را پیچیده تر و مشکل تر از داستان حضرت یوسف علیه السلام جلوه می دهد تا شدت نابسامانی اوضاع را به مخاطب تفهیم کند. (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۸۶)

از مطالب این شعر استعمار است که با وجود از بین رفتن ظاهری استعمار و کم رنگ شدن این موضوع، احمد مطر از آن غافل نشده، بلکه معتقد است که استعمار به صورت کامل، کشورهای عربی را تحت سلطه خود قرار داده است. (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۷۶) احمد مطر از آیه ۴۳ سوره یوسف و آیه ۲۶۱ سوره بقره استفاده کرده است. در قسمتی از شعر که می گوید: «واری سبع جوار کالاعلام» از آیه ۲۴ سوره رحمن متأثر شده «وله الجوار المنشآت فی البحر کالاعلام» و آنجا که می گوید: «و تمر السیاره تشری» اشاره دارد به آیه ۱۹ سوره یوسف.

### ۳-۷. حلم

وقف ما بین یدی

مفسر الاحلام

قلت له یا سیدی

رأیت فی المنام

انی اعیش کالبشر (مطر، ۱۹۸۴، ۹۸/۱)

این شعر نیز متأثر از داستان حضرت یوسف علیه السلام است که به تعبیر خواب شهرت داشت. موضوع این شعر درباره شخصی است که زیر سلطه طاغوت زندگی کرده و خواب می بیند که مانند بشر زندگی کرده و اطراف او نیز بشر است. سلطه حاکم ظالم به خواب او وارد شده و او را به هم ریخته و نابود می کند. این موضوع، حاکی از خفقان و نابسامانی اوضاع ملت است. (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۸۶)

#### ۷-۴. رویا ابراهیم

یا مولانا ابراهیم

اغمد سگینک للمقبض

واقبض اجرک من اصحاب الفیل

لا تأخذک الرأفة فیه

بدین البیت الابيض

نفذ رؤیاک و لاتجنح للتأویل

لن ینزل کبش، لاتأمل بالتبديل

یا مولانا ان لم تدبحه ندبحک

فهذا من آخر

یفدی فیه الکبش

باسماعیل! (مطر، ۱۹۸۴، ۵۰/۱)

این شعر متأثر از داستان حضرت ابراهیم علیه السلام و ماجرای قربانی کردن فرزندش اسماعیل است. سید احمد مطر در ابتدا، از داستان قرآنی الهام می گیرد، سپس حوادث آن را واژگون و متفاوت می کند تا داستان دیگری را در قالب داستان حضرت ابراهیم علیه السلام نقل کند. در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام وی تحت آزمون الهی در خواب، فرمان ذبح فرزندش را گرفته و در امتحان الهی موفق می شود و از خداوند اطاعت می کند. بنابراین، خداوند گوسفندی را می فرستد که حضرت آن را قربانی کرده و اسماعیل را رها کند، اما در قصه احمد مطر، منظور از ابراهیم علیه السلام حاکمان کشورهای تحت سلطه استعمار است که کشورهای استعمارگر به او فرمان می دهند که اسماعیل علیه السلام را که نماد مردم کشور است، ذبح کرده و مزد خود را از اصحاب فیل که نماد خیانت هستند، بگیرد. در این داستان خبری از گوسفند نیست و بنا بر دین و قانون کاخ سفید، یعنی آمریکا جایی برای دلسوزی وجود ندارد و در صورتی که حاکم مردم را ذبح نکند، خودش قربانی می شود. شاعر به این صورت به وسیله طنز و با استفاده از نمادها و قصه قرآنی معروف شاعر می خواهد بگوید که حاکمان

کشورهای عربی، دست نشانده های استعمارند که مجبورند هر چه کشورهای استعمارگر می گوید، انجام دهند تا جان سالم به دربرند. در این جریان ها مردم کشورها قربانی می شوند؛ زیرا کشورهای استعمارگر رحمی ندارند. احمد مطر ماجرای ظلم و استبداد حاکمان و استعمارگران را نقل می کند به گونه ای که داستان حضرت ابراهیم علیه السلام در ذهن تداعی شده و مخاطب در ذهن خود، از کشف شباهت های میان دو داستان لذت می برد. (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۸۶)

ماجرای حضرت ابراهیم علیه السلام در آیه ۱۰۲ سوره صافات آمده که می فرماید: «فلما بلغ معه السعی قال یا بنی ائی اری فی المنام ائی اذبحک فانظر ماذا تری قال یا ابت افعل ما تؤمر مستجدنی ان شاء الله من الصابرين» (صافات: ۱۰۲). در نهایت در آیه ۱۰۷ همین سوره می فرماید: «و فدیناه بذبح عظیم». (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۸۶)

#### ۷-۵. الفتنه اللقیطه

اثنان لاسوکما، والارض ملک لکما  
 لو سار کلّ منکما بخطوه الطویل  
 لما التقت خطاکما الاخلال جیل  
 فکیف ضاقت بکما فکنتما القاتل و القتیل؟  
 قابیل، یا قابیل  
 لو لم یجئ ذکرکما فی محکم التنزیل  
 لقلت: مستحیل!  
 من زرع الفتنه ما بینکما  
 ولم تکن فی الارض اسرائیل؟! (مطر، ۱۹۹۶، ۱۵/۶)

در این شعر، سید احمد مطراز داستان قرآنی قابیل و هابیل، یعنی فرزندان حضرت آدم علیه السلام الهام گرفته و این بار، خود داستان قرآنی را در شعر ذکر می کند. برخلاف شعرهای داستانی دیگرش که موضوع داستان را به طور کلی تغییر داده و ماجرای کشته شدن هابیل به دست قابیل را بیان کرده و با نگاهی پراز تعجب به این مسئله می گوید که فقط دو نفر بودید و همه زمین در اختیار شما بود و مالک تمام آن بودید، چگونه زمین به این بزرگی برایتان به تنگ آمد و قاتل و مقتول شدید؟ سپس شاعر، هابیل و قابیل را در شعر خود خطاب قرار داده و می گوید:

اگر داستان شما در قرآن نیامده بود، می گفتم که امکان ندارد چنین اتفاقی بیفتد. چه کسی میان شما فتنه انداخت در حالی که اسرائیل در زمین نبود و به این صورت است که اسرائیل را منبع و سرچشمه تمامی فتنه ها دانسته و به صورت طنزگونه برای بیان این

موضوع، به داستان قایبل و هابیل تمسک می‌جوید. (الهاشمی، ۱۳۹۸)

از جمله آیات قرآن که به این داستان اشاره دارد، آیه ۲۸ سوره مائده است که می‌فرماید: «لئن بسطت التی یدک لتقتلنی ما انا بیاسط یدی الیک لاقتلک».

### ۶-۷. بلاد ما بین النهرین

ولما أوی الفتیة المؤمنون

الی كهفهم

كان فی الكهف من قبلهم مخبرون

ظننتم اذن، اننا غافلون؟

كذلك ظن الذین أتو قبلکم

فاستجبنا

ولو تعلمون (مطر، ۱۹۹۲، ۴/۱۸۵)

در این قسمت از شعر بلاد ما بین النهرین، شاعر به داستان اصحاب كهف اشاره می‌کند. انسان‌های مؤمن و نیکوکاری که از کفر و باطل به غار پناه می‌برند. احمد مطربا آوردن الفاظ و عبارات این قصه قرآنی، آن را در ذهن تداعی کرده، اما داستان دیگری را نقل می‌کند. داستان مردم عصر حاضر که وقتی تلاش می‌کنند تا از باطل به غاری پناه ببرند، قبل از آنها جاسوسان و مسؤولان امنیتی حاکم در غار حضور دارند و با طنزی تلخ بیان می‌کند که مردم در چه اوضاع پرخفقانی زندگی می‌کنند و راهی برای فرار از حاکمیت ظالم ندارند. (احمد غنیم، ۲۰۰۴، ص ۳۰۰)

داستان اصحاب كهف در آیه ۱۰ سوره كهف آمده که می‌فرماید: «اذا اوی الفتیة الی الكهف فقالو ربنا اتنا من لدنک رحمه». (كهف: ۱۰)

### ۸. تأثیرپذیری از معانی قرآنی در اشعار احمد مطر

در برخی از کاربردهای قرآنی، احمد مطر معنای آیات قرآنی را آورده، اما آیه را ذکر نمی‌کند. نمونه‌هایی از این نوع تأثیرپذیری بیان می‌شود.

### ۱-۸. الله اعلم

ایها الناس اتقوا نار جهنم

لاتسیئوا الظن بالوالی

فسوء الظن فی الشرع محرم

لا تشعوا ان للوالی یداً فی حبس صوتی  
بل انا یا ناس ابکم (مطر، ۱۹۸۴، ۵۸/۱)

در این شعر، شاعر به صورت طنزگونه می‌گوید: «ای مردم، از آتش جهنم بپرهیزید و نسبت به حاکم سوءظن نداشته باشید؛ زیرا سوءظن در شرع حرام است». سپس با جملاتی معکوس حال خود را بیان کرده و می‌گوید: «همه چیز طبق روال خوب است و گمان نکنید که حاکم صدای مرا حبس کرده، بلکه من لال هستم». این جملات را به گونه‌ای می‌گوید که برای خواننده روشن است که جریان برعکس است و شخص در شرایط سختی قرار دارد، اما به علت خفقان و خطر جانی، می‌ترسد که حقیقت را بگوید و از طرفی هم می‌گوید نباید به حاکم سوءظن داشت، در حالی که این مصداق سوءظن نیست؛ زیرا حاکم به قطع، در مسیر نادرستی قرار دارد. شاعر به صورت گذرا مفهوم و معنای آیه ۱۲ سوره حجرات را بیان می‌کند: «ان بعض الظن اثم» (حجرات: ۱۲).

#### ۲-۸. حالات

بالتمادی یصبح اللص رئیساً بأروبا

مدیرا للنواد

وبامریکا

زعیما للعصابات وأوکار الفساد

و بأوطانی التی

من شرعها قطع الایادی

یصبح اللص

رئیس اللبلاد (مطر، ۱۹۸۴، ص ۲۲)

این هم یکی دیگر از سروده‌های احمد مطر برای طعنه زدن به حاکمان فاسد است که به صورت مستقیم آنها را دزد خطاب کرده و می‌گوید که در کشورهای اروپایی، دزد در جایگاه مدیر است و در آمریکا در خانه‌ها فساد، اما در وطن من که در شرع آن دست دزد بریده می‌شود، دزدان رئیس و حاکم کشور می‌شوند. در قسمتی از شعر که می‌گوید من شرعها قطع الایادی، به آیه ۳۸ سوره مائده اشاره دارد: «و السارق و السارقه فاقطعو ایدیهما جزاء بما کسبا نکالا من الله» (مائده: ۳۸).

#### ۳-۸. الاکتشاف

الاعادی

یتسلون بتطویع السکاکین

وتطبيع الميادين  
 و تقطيع بلادی  
 و سلاطين بلادی  
 يتسلون بتضييع الملايين  
 و تجويع المساكين  
 و تقطيع الايادی  
 و يفوزون  
 اذا ما اخطأوا الحكم  
 بأجر الاجتهاد  
 عجباً  
 كيف اکتشفتم  
 آیه القطع  
 ولم تکتشفوا رغم العوادی

آیه واحده من کل آیات الجهاد (مطر، ۱۹۸۴، ص ۱۲۱)

در اینجا هم شاعر از دشمنان استعمارگر و حاکمان دولت انتقاد می‌کند که استعمارگران با نابودی مردم کشور مستعمره، خوش می‌گذرانند و حاکمان هم مشغول هدر دادن اموال بیت‌المال و گرسنه کردن مردم هستند. هنگامی که مردم گرسنه دست برنانی ببرند تا گرسنه نمانند، حاکمان مفهوم آیه قطع را اجرا کرده و دستشان را به تهمت دزدی قطع می‌کنند. در ادامه، شاعر با ابراز تعجب خطاب به حاکمان می‌گوید:

چگونه میان این همه آیات قرآن، این یک آیه قطع را یافتید؟ اگر اهل قرآن بودید و در آیات آن تأمل می‌کردید، چرا آیات فراوان مربوط به جهاد را پیدا نکردید تا بترسید مردم دست به جهاد علیه شما بزنند و بفهمید که انقلابشان بر اساس قرآن و اعتقادشان است.

## ۹. نتیجه‌گیری

سید احمد مطر شاعر شیعی دوره معاصر، از شاعرانی است که از قرآن تأثیر پذیرفته و در بسیاری از سروده‌هایش می‌توان اثری از قرآن یافت. در بررسی این امر دیده می‌شود که وی در حوزه الفاظ، عبارات، جملات، معانی و داستان سرایی، از قرآن تأثیر پذیرفته و به صورت بسیار خاص و منحصر به فرد، از قرآن بهره برده است. در بسیاری از موارد که از واژگان و عبارات قرآنی در شعرش استفاده

کرده، موضوع و محتوای معنایی آیه مورد نظرش نبوده، بلکه با استفاده از الفاظ قرآنی، موضوعات دیگری را مطرح می‌کند که اغلب این موضوعات حول محور نقد اوضاع حکومت‌های ظالم به ویژه حاکمیت و طغیان عراق در دوره حزب بعث و نابسامانی شرایط ملت و خفقان موجود می‌چرخد. در تأثیرپذیری از داستان‌های قرآنی نیز وی اغلب شخصیت‌ها و جریان‌های مهم داستان قرآنی را در شعر خود وارد می‌کند، اما همه را دگرگون کرده و حوادث را در هم می‌پیچد و موضوع داستان را در جهت دیگری سوق می‌دهد. از جمله داستان‌هایی که در شعرهایش استفاده کرده عبارتند از داستان هجرت پیامبر ﷺ، داستان حضرت یوسف علیه السلام، داستان قاییل و هابیل علیهم السلام، ماجرای اصحاب کهف و داستان حضرت ابراهیم علیه السلام. در حوزه معنایی نیز وی از قرآن تأثیر پذیرفته و با تأمل در اشعارش می‌توان مواردی از استفاده معنایی از آیات قرآن یافت. البته لازم به ذکر است که استفاده وی از الفاظ و عبارات قرآنی، به مراتب بیش از معانی است.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم

۱. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸). *جمهره اللغة*. بیروت: دار العلم للملایین.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
۳. احمد غنیم، کمال (۲۰۰۴). *عناصر الابداع الفنی فی شعر احمد مطر*. قم: منشورات ناظرین.
۴. بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی*. تهران: اسلامی.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم.
۶. رضایی نیا، عبدالرضا (۱۳۸۵). *یلاکاردها*. تهران: انتشارات سوره مهر.
۷. عایش، محمد (۲۰۰۵). *احمد مطر شاعر المنفی*. بیروت: دار الیوسف.
۸. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰). *الفروق فی اللغة*. بیروت: دار الافاق الجدیده.
۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). *العین*. قم: نشر هجرت.
۱۰. مطر، احمد (۱۹۸۷). *لافتات ۲*. لندن: آنوین براذر لیمیتد.
۱۱. مطر، احمد (۱۹۸۴). *لافتات ۱*. کویت: دار القیس.
۱۲. مطر، احمد (۱۹۸۹). *لافتات ۳*. لندن: برندپرینت.
۱۳. مطر، احمد (۱۹۹۲). *لافتات ۴*. لندن: برندپرینت.
۱۴. مطر، احمد (۱۹۹۴). *لافتات ۵*. لندن: اچ جی ای.
۱۵. مطر، احمد (۱۹۹۶). *لافتات ۶*. لندن: اچ جی ای.
۱۶. مطر، احمد (۱۹۹۹). *لافتات ۷*. لندن: بیتاگرافیک.
۱۷. الهاشمی، حسن (۱۳۹۸). *مصاحبه*. منتشر نشده.